

بلبشو در دوسوی مذاکرات اتمی

کاظم نیکخواه



در دستور گذاشته است که با تقاضای دولت اوپاما قرار شد بررسی این طرح به بعد از دور اول مذاکرات گروه ۵+۱ با نمایندگان جمهوری اسلامی موکول شود.

صفحه ۲

جمهوری اسلامی مواجه هستند، و هم جمهوری اسلامی معضلات جدی ای در این زمینه دارد. آنچه امروز شاهدیم يك بلبشوی کامل است. سران آمریکا و اروپا تلاش میکنند خوش بینی ایجاد کنند اما راست و ریس کردن آنچه روی زمین خاکی روی میدهد کار ساده ای نیست. در این زمینه بگذارید یکی دو مورد را مرور کنیم:

بنا به گزارشها مجلس سنای آمریکا از ماه پیش طرحی را برای تشدید تحریمهای های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی

تمام امید و وعده و چشم انداز دولت روحانی و جمهوری اسلامی در این دوره این بود که قرار است صلح و سازش با دولت آمریکا برقرار شود و تحریمهای اقتصادی که فشار کمرشکنی را بر مردم اعمال میکنند و خشم گسترده مردم را علیه سیاستهای جمهوری اسلامی باعث شده، پایان یابد. اما همانگونه که پیش بینی میشد و برخلاف تبلیغات رسانه های نوکر، مساله به این سادگیها نیست. هم دولتهای آمریکا و غرب با موانع بسیاری برای سازش با حکومتی مثل

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۲۸

جمعه ۳ آبان ۱۳۹۲، ۲۵ اکتبر ۲۰۱۳

برای نجات جان زانیار و لقمان مرادی و حبیب گلپری پور به پا خیزیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۸

تفکیک جنسیتی در دانشگاهها و اعترافی دیگر به شکست

شهلا دانشفر

صفحه ۷

تلویزیون های آن ها، تلویزیون ما

مهراب دشتی

صفحه ۵

سرنوشت مافیای دولتی "مسکن مهر"

محمد شکوهی

صفحه ۶

ما مشتاقانه مبارزاتمان را ادامه می دهیم

مریم نمازی

صفحه ۷



انقلاب اکتبر،

بلوک شرق و کمونیسم

مصاحبه با شهلا دانشفر در تلویزیون کانال جدید

شهلا دانشفر

صفحه ۳



توحش طلاکاری شده بجای امنیت مدارس

بهروز مهرآبادی

صفحه ۴

موجی از اعتصاب پتروشیمی های ماهشهر را فراگرفت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

لبشو در دوسوی مذاکرات اتمی

اکنون که دور اول مذاکرات به نتیجه فوری که انتظار میبرد نرسیده، سنای آمریکا میخواهد این طرح مجدداً روی میز بگذارد و در اسرع وقت آنرا تصویب کند. نمایندگان موافق این طرح معتقدند که اگر فشارهای روی حکومت اسلامی تشدید نشود امکان سوء استفاده این حکومت از فرجه مذاکرات وجود دارد. اما کاخ سفید باز هم با خواهش و تمنا تلاش دارد آنرا عقب بیندازد. بنا به گزارشها مشاوران کاخ سفید با دعوت از گروهی از دستیاران ارشد روسای کمیته های مجلس سنا خواهان دست نگه داشتن کنگره از تصویب تحریم های تازه علیه ایران شده اند. اما گفته میشود که نمایندگان جمهوریخواه سنا که اکثریت را در مجلس این کشور دارند با تعویق مجدد این طرح مخالفند. گفته میشود طرح مذکور تحریمهای اقتصادی و بانکی و تجاری علیه ایران را به نحو بی سابقه ای تشدید میکند و مجازاتهای سنگین تری را به کشورها و شرکتهایی که با ایران رابطه تجاری برقرار کنند اعمال میکند. این نوع تلاشها برای تشدید فشار بر جمهوری اسلامی در واقع مشتی نمونه خروار است و بیشتر در آمریکا و بدرجه ای در اروپا و کشورهای دیگر نیروهای متعددی وجود دارند که تلاش میکنند فشار بر جمهوری اسلامی تشدید شود و این حکومت کاملاً به زانو در آید.

حقیقت اینست که فشار تحریمها و انزوای بین المللی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی بجایی رسیده است که حکومت اسلامی را به تنگناهای جدی انداخته است. گزارش احمد شهید در مورد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی و انتشار آمار اعدامهای گسترده در ایران نیز باعث فشار بیشتری بر حکومت اسلامی شده است.

اگر کوتاه بیاییم

در سطوح بالای جمهوری اسلامی نیز جنگ و کشاکش بر سر رابطه با آمریکا بسیار بالا گرفته است. درست در شرایطی که خامنه ای از "ترمش قهرمانانه" صحبت کرده بود، صداهایی از همه سو در صفوف جمهوری اسلامی بلند شده است که بر گسترش ضدیت با آمریکا تاکید میکنند. احمد خاتمی امام جمعه تهران و عضو نهاد کذایی "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" که کرگندهای رده بالای حکومت را در خود جای داده است، معضل و مشکل جمهوری اسلامی را بسیار گویا بیان کرده است. او این هفته در جهرم گفت "اگر از مساله اتمی هم کوتاه بیاییم بهانه های دیگری را بدست میگیرند. میگویند چون در ایران مردها میتوانند چهار زن داشته باشند زنان هم باید بتوانند چهار شوهر داشته باشند". این دایناسور عهد عتیقی حتی وقتی بحث از مساله اتمی است نمی تواند عمق زن ستیزی و تعفن فکری خود را پنهان کند، اما روشن است که احمد خاتمی و دیگر آخوندهای حکومت میدانند که دولت آمریکا مشکلی با قوانین کپک زده اسلامی از جمله چند همسری ندارد و براحتی با همه نوع آنها در دنیا کنار آمده است. خاتمی در واقع دارد فضای جامعه و وحشت سران حکومت منحوسش را از گسترش موج اعتراضات مردم به قوانین اسلامی در صورت عقب نشینی و تضعیف جمهوری اسلامی بیان میکند. اما احمد خاتمی در این زمینه که باید ضدیت با آمریکا تشدید شود تنها نیست. بنا به گزارش بی بی سی در خیابانهای تهران پوسترهای بزرگی در مخالفت با مذاکره با آمریکا نصب شده است. این پوسترها توسط نهادی بنام "خانه طراحان انقلاب اسلامی" که آن نیز یکی از نهادهای وابسته به جناحهای بالای حکومت است، تهیه شده

است. علاوه طی یکی دو هفته اخیر موج حمله به رفسنجانی بخاطر نقل خاطره ای از خمینی که گویا با سازش با آمریکا موافق بوده است به جریان افتاده است.

هر دو طرف معضل دارند

همانگونه که در نوشته های دیگری نیز تاکید کرده ایم معضل صلح و سازش جمهوری اسلامی و دولتتهای غربی يك معضل استراتژیک و اساسی است. این کشاکش ربطی به مسئله حقوق بشر ندارد. غرب و در راس آن دولت آمریکا بدون تسلیم کامل جمهوری اسلامی خود را بازنده میدانند. و در نتیجه به صرف حتی عقب نشینی کامل جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی کوتاه نخواهد آمد. اینها حکومت اسلامی را به سه کنج رانده اند و میخواهند حداکثر استفاده را از این موقعیت ضعیف حکومت بکنند. جمهوری اسلامی باید از بلندپروازیهایی اتمیش کاملاً کوتاه بیاید، باید از دخالتگری در عراق و افغانستان و امثال اینها دست بکشد، تبلیغ نابودی اسرائیل را رسماً کنار بگذارد، و دست از حمایت جریانات تروریست ضد غربی بردارد. اینها بنظر میرسد سازش است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی هم در درون صفوف خود نیروها و جریانات متعددی دارد که از فضای کشاکش با غرب و تحریم و فضای جنگی و امثال اینها سودهای کلان میبرند و به نان و نوا و موقعیتهای محکمی رسیده اند. در عین حال جناحها و سران حکومت میدانند که مردم ایران جان به لبشان رسیده و خشم و نفرت عظیم و پایان ناپذیری علیه حکومت دارند و با اولین بارقه های ضعف و عقب نشینی حکومت اسلامی، این خشم میتواند فوران کند و بنیان حکومت اسلامی را نابود کند. اینجاست که با هر زمزمه سازش با غرب نعره های مخالفت با مذاکره به شدت به گوش میرسد. در این وسط دولت روحانی و رفسنجانی که ظاهراً صحنه گردان این دولت است زیر بیشترین

ضربات قرار دارند و خامنه ای هم این وسط مانده است که با این اوضاع در هم ریخته چه خاکی بسرش بریزد. اکنون دیگر نوشیدن جام زهر هم مشکل او را حل نمیکند.

آنچه باید توجه جدی کرد و ما همیشه تاکید کرده ایم اینست که وضعیت کنونی يك بن بست کامل است. این در واقع نه فقط بن بست جمهوری اسلامی بلکه بن بست کل حاکمیت بورژوازی در ایران است. نه غرب و نه جمهوری اسلامی راه حلی برای آن ندارند. و در نتیجه این اوضاع و این کشاکشها میتواند سالهای سال ادامه یابد. و فشار فقر و گرانی و بیکاری و خطر جنگ و حمله نظامی بیشتر و بیشتر بر زندگی کارگران و مردم سنگینی کند.

حتی اگر به فرض محال کشاکش اتمی هم به نحوی به پایانی برسد بقول احمد خاتمی کشاکشهای دیگری شروع خواهد شد که برخلاف آنچه این آخوند جمهوری اسلامی میگوید بر سر تبعیض علیه زنان نخواهد بود و مستقیماً دودش به چشم مردم خواهد رفت. راه حل این اوضاع بطور واقعی در دست کارگران و مردم است که با انقلاب خویش شر جمهوری اسلامی و تمام معضلاتش از سر جامعه کم کنند. هرکس که با دقت به اوضاع کنونی نگاه کند میفهمد که منطقی و تحلیلاً این تنها راه حل واقعی و قابل دسترس برای خلاص شدن از شر این اوضاع و این بن بست و عوارض آنست. ۲۵ اکتبر ۲۰۱۳*

مشخصات و ساعات پخش

تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و

آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

انقلاب اکتبر، بلوک شرق و کمونیسم

مصاحبه با شهلا دانشفر در تلویزیون کانال جدید

شهلا دانشفر

سیمای بهاری، شهلا دانشفر یک سوال جدی که مقابل کمونیستها قرار دارد اینست که گفته میشود کمونیسم در تمام کشورهایی که به قدرت رسیده یک جامعه اختناق زده و یک حکومت سرکوبگر را به مردم حاکم کرده و از آن حرفها و برنامه های زیبا بپیچوجو خبری نبوده. شما در این مورد چه میگویید؟ چرا در جوامعی که کمونیستها به قدرت رسیدند از شوروی سابق تا کشورهای اروپای شرقی و غیره، اختناق و سرکوب به مردم حاکم شد؟

شهلا دانشفر: ببینید این صرفاً یک سوال نیست. این یک تبلیغات و جوسازی سازمانیافته است که بورژوازی با همه ابزارهایش، با استفاده از ابزار مذهب و غیره سعی کرده است که چنین تفکری را در جامعه شکل دهد. بلندگوهای ارتجاعی بورژوازی جهانی کسانی چون تاچر و خمینی و جمهوری اسلامی کارشان همیشه این بوده است. اما تاریخ بر پایه چنین تبلیغاتی نمی چرخد. خصوصاً تحولات امروز جهانی بیش از هر وقت بی پایه بودن و شکست چنین تبلیغاتی را نشان میدهد.

در پاسخ به سؤال شما اول از همه باید این را بگویم آن چیزی که تحت عنوان شکست کمونیسم در تمام دنیا از آن صحبت میشود، همان شکست انقلاب اکتبر است. انقلاب اکتبر آنچه عظیم بود که دامنه اش به کشورهای بسیاری کشیده شد و منشا تحولات مهمی در جهان شد. اما این انقلاب در متن فشار شدید اقتصادی پس از جنگ جهانی و زیر تهاجم بورژوازی جهانی و همچنین در فقدان یک افق روشن برای تحول

سوسیالیستی مناسبات اقتصادی جامعه شکست خورد و آرمانهای بورژوازی صنعتی و نگرش ناسیونالیستی از طریق نمایندگان این جنبش که بنام چپ سخن میگفتند بر سیاست و خط مشی اقتصادی حزب کمونیست شوروی و جنبش طبقه کارگر روسیه مسلط شد. میتوان گفت که انقلاب اکتبر نه در دهه نود میلادی بلکه در دهه بیست یعنی چندسالی بعد از انقلاب شکست خورد.

بنابراین همانطور که ما در جاهای مختلف تاکید کرده ایم آنچه در دوران استالین صورت گرفت نه ساختمان سوسیالیسم، بلکه تخریب سوسیالیسم و بازسازی اقتصاد ملی سرمایه داری در روسیه بر مبنای یک مدل دولتی و مدیریت شده بود. به این معنی که بجای حکومت کارگری، یک دولت نوظهور بورژوایی، با یک بوروکراسی و ماشین نظامی عظیم، متکی بر یک اقتصاد سرمایه داری دولتی در آنجا به سر کار کشیده شد. این مدل دولتی الگوی اقتصادی با مسخ و عقب راندن انقلاب کارگری اکتبر در سطح جهانی قد علم کرد و تمام محتوای به اصطلاح سوسیالیستی کمونیسم بورژوایی اتحاد شوروی و بلوک شرق را تشکیل میداد. بعداً با فروپاشی بلوک شرق و تعرض سرمایه داری بازار آزاد، شکست این شکل از اقتصاد سرمایه داری را به اسم شکست دولتی را به کمونیسم جار زدند و بر خرابه های آن جشن و پایکوبی کردند.

اما دیری نگذشت که این موج برگشت، دوباره بازگشت با آرمانهای انقلاب اکتبر و مارکس به درجات زیادی جلو آمد و با بروز هر بحران سرمایه داری نام مارکس و حقانیت نظرات او

گذشته با مردم سخن بگوید. در جوامع و کانونهای اصلی سرمایه داری تحقیر و توهین آشکار توده مردم پایان یافت. مردم با اکتبر صاحب رای و انتخاب شدند. درجه ای از خواستههای مردم به بورژوازی تحمیل شد. بورژوازی ناچار شد به حاکمیت خود لفافه مردمی بدهد. اگر شما به عقب تر نگاه کنید می بینید که در انقلاب کبیر فرانسه و بعد با کمون پاریس نیز در این زمینه بشریت پیشروی هایی داشت. اما با انقلاب اکتبر طبقه کارگر توانست که طبقه سرمایه دار را از نظر سیاسی، از نظر حقوقی، از نظر ایدئولوژیک و فرهنگی و همچنین از نظر خواستههای رفاهی و اقتصادی مردم به درجات زیادی عقب براند. در واقع انقلاب اکتبر با جلو کشیدن آرمانهای انسانی، انتظار انسان از خودش و از جامعه را عوض کرد. این ایده که انسانها باید برابر باشند، انسان حق زندگی دارد، انسان حق برخورداری از آزادی را دارد و خیلی چیزهای دیگر از جمله دستاوردهای انقلاب اکتبر است. انقلاب اکتبر جهان را تکان داد.

بنابراین همین دوره کوتاه بعد از انقلاب اکتبر اولین نشانه ایست که بی اساس بودن تبلیغاتی که علیه انقلاب اکتبر و تصویر سیاهی که از آن داده میشود، را نشان میدهد. بعلاوه آن جامعه بسته و دیکتاتوری و سرکوب و دیوار آهنینی که پس از شکست انقلاب اکتبر بدور این کشور و اقمارش کشیده شد، آنطور که بورژوازی تبلیغ میکند توسط کمونیستها و بلشویکها نبود که شکل گرفت بلکه با سرکوب و کشتار کمونیستها عملی شد. اول کمونیستها و رهبران رادیکال و کمونیست کارگری را کشتار و سرکوب کردند تا بتوانند بعداً کل جامعه را به اختناق بکشانند. موضوع از این قرار بود که یک نیروی ناسیونالیست و بورژوایی که تمام هم و غمش صنعتی کردن روسیه به هر قیمتی بود سرکار آمده بود و این دولت خود را بناچار و بخاطر انقلابی که شده بود

کمونیست معرفی میکرد. بورژوازی جهانی هم این دولت ضدکارگری و ضدکمونیستی را بعنوان کمونیسم به جهان معرفی کرد تا بتواند در پرتو آن کمونیسم و انقلاب اکتبر را زیر حمله قرار دهد.

میخواهم بگویم که جامعه روسیه در دوره کمی بعد از مرگ لنین دیگر از هیچ نظر مطلقاً شباهتی به یک جامعه سوسیالیستی آنطور که مارکس و خود لنین بطور روشنی تعریف کرده بودند نداشت. کار مزدی برقرار بود، تبعیض و استثمار و بی حقوقی تداوم داشت. جامعه ای تماماً سرمایه داری اما از نوع دولتی بود. به عبارت روشنتر بورژوازی روسیه بنام کمونیسم بر حزب کمونیست و بر جامعه روسیه غالب شد و نهایتاً مسیر انقلاب به جای دیگری تغییر پیدا کرد. استالین هم که سر کار آمد نماینده بورژوازی صنعتی و ناسیونالیسم روسی بود و آنچه در دوران او صورت گرفت نه ساختمان سوسیالیسم، بلکه بازسازی اقتصاد سرمایه داری در روسیه بر مبنای یک مدل دولتی و مدیریت شده بود. در نتیجه بجای آرمان مالکیت جمعی و اشتراکی، مالکیت دولتی بر وسائل تولید برقرار شد. مزد و پول و نظام کار مزدی حفظ شدند. سرکوبگری استالین نیز ملزومات چنین شکلی از حاکمیت سرمایه داری بود که به اسم کمونیسم عمل میکرد.

بعداً با شکست انقلاب روسیه مدل دولتی سرمایه داری، الگوی اقتصادی قطب به اصطلاح کمونیستی شد. از همین رو من نه تنها کل صورت مساله ای که با این سوال در مقابل ما گذاشته میشود را قبول ندارم. بلکه این ما کمونیست ها هستیم که مدعی هستیم و آنچه در روسیه بعد از شکست انقلاب اکتبر روی داد را باید به حساب بورژوازی نوشت، نه کمونیسم و آرمانهای انقلاب اکتبر.

نکته جالب اینجاست که اینهمه دولتهای دیکتاتوری سرمایه داری هستند که مورد

توحش طلاکاری شده بجای امنیت مدارس

بهر روز مهرآبادی

امکان دسترسی به نیروهای امداد رسانی و ... می توان گفت که در جمهوری اسلامی پیدا کردن يك مدرسه امن برای کودکان تقریباً غیرممکن است. در کنار عدم وجود امنیت باید کلاسهایی با چند برابر ظرفیت دانش آموز، عدم وجود بهداشت و نور مناسب، عدم وجود سالنها و وسایل مناسب برای بازی و ورزش، نبود آزمایشگاهها، سالنهای نمایش فیلم و تئاتر، کتابخانه و ... را نیز ذکر کرد.

سخنان مرتضی رئیسی بلافاصله با سخنان جعفر دهنوی رئیس بازسازی عتبات عالیات

نشان میدهد. بر اساس استانداردهای جمهوری اسلامی يك سوم کلاسهای درس در معرض خطر آتشسوزی قرار دارند و هر آن ممکن است واقعه "شین آباد" در آنها تکرار شود. باید در نظر گرفت که این ارقام فقط در مورد نحوه گرم کردن کلاس های درس است وگرنه استانداردهای جمهوری اسلامی با معیارهای لازم جهانی و دستاوردهای علمی و تکنولوژی امروز فرسنگ ها فاصله دارد. تقریباً هیچیک از مسائل ایمنی در ساختمان مدارس ایران رعایت نمیشود و تقریباً هیچ مدرسه ای را نمی شود پیدا کرد که حداقل ضوابط ایمنی در آن رعایت شده باشد. استفاده از مصالح مناسب و مقاوم و معماری صحیح در مقابل سوانحی از قبیل آتشسوزی و یا زلزله، وجود راهروهای عریض و درهای اضطراری، وجود آموزش علمی و مناسب به دانش آموزان در هنگام رو در رویی با سوانح، وجود سیستم اعلام خطر، وجود فضای کافی در کلاسهای درس، ۱۵۰ هزار کلاس درس از ۵۰۰ هزار کلاس درس کشور هنوز با بخاری نفتی یا گازی گرم میشوند. یعنی حدود يك سوم مدارس کشور غیراستاندارد می باشند. این اظهارات مرتضی رئیسی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا است. وی اضافه می کند: " برای تجهیز همه این کلاس ها به سامانه کاملاً استاندارد نظیر سیستم حرارتی مرکزی یا پیکج های حرارتی نیازمند ۱۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار هستیم." و ادامه می دهد: "با وجود اینکه توان فنی و اجرایی برای تجهیز این تعداد کلاس درس به سامانه های حرارتی کاملاً استاندارد وجود دارد اما به دلیل نبود اعتبار طی چند سال آینده امکان انجام آن وجود ندارد. جمهوری اسلامی چندین سال است که تامین این ۱۰۰۰ میلیارد تومان را غیر ممکن می داند." اعترافات مرتضی رئیسی گوشه ای از فاجعه مدارس در ایران را

هزینه ارگانهای مختلف سرکوبگر و اوباش چماق بدست رژیم، هزینه درست کردن و تسلیح باندهای تروریستی در گوشه و کنار جهان دلیل اصلی بدبختی های مردم ایران را نشان میدهد. مردم اینرا بخوبی میدانند و بیان می کنند. این را باید از خود مردم شنید. شرکت وسیع مردم در یکی از برنامه های کانال جدید تحت عنوان: "مسجد نمی خواهیم، مدرسه می خواهیم"، انزجار و نفرت مردم را از حکومت مذهبی و ابزارهای آن نشان داد. توضیح بیشتر درباره این برنامه تلویزیونی را از یادداشت های روز اصغر کریمی نقل می کنیم. این برنامه، صحبت های مردم، بیزاری آنها از جمهوری اسلامی و خواستشان برای يك جامعه سکولار، مدرن و آزاد را باید دید. برای شنیدن این برنامه کافی است عنوان آن را در سایت یوتیوب وارد کرد و یا از طریق سایت های جستجوگر آن را پیدا کرد.*



حکومت و احزاب ملی اسلامی و شبکه هائی مانند بی بی سی حالی کنند که مخالف دخالت دین در امور روزمره زندگی خود هستند، یعنی این جامعه اسلامی نیست؟ اینرا نه فقط از دین دررفته ها که تعدادشان هرروز بیشتر و بیشتر میشود و شاید الان تعدادشان از معتقدین به اسلام بیشتر است، بلکه حتی مسلمان های شریف و غیر وابسته به حکومت هم میگیرند. این برنامه سند محکمی علیه مذهب و طرفداران حکومت مذهبی و دول غربی و رسانه های ریاکار و دست راستی امثال بی بی سی بود که بدون استثنا ایران را جامعه ای اسلامی میخوانند. توصیه میکنم این برنامه را نگاه کنید.*

مسجد و این حکومت و اعدام و سرکوب و فقر و اعتیاد و هیچ چیزش را نمیخواهیم. کانال جدید در طول سالیان گذشته برنامه های پخش مستقیم زیادی را به مذهب و حکومت مذهبی اختصاص داده و معمولاً این برنامه ها با حضور پرشور مردم علیه حکومت مذهبی همراه بوده است. هرکدام از این برنامه ها و از جمله این برنامه عملاً فراندمی علیه حکومت مذهبی و دخالت مذهب در دولت بود و بخوبی نشان میداد که چگونه جامعه ایران دارد مذهب را دفع میکند و از ارزش های مدرن و انسانی دفاع میکند. جامعه ایران اسلامی نیست. میگویند اسلامی است تا اسلامی اش کنند. ولی مردم ایران با چه زبان به این

مسجد نمیخواهیم، مدرسه میخواهیم

برنامه پخش مستقیم از تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید،

سه شنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۱۳ (۳۰ مهر ۱۳۹۲)

تحت عنوان: "مسجد نمیخواهیم، مدرسه میخواهیم"

اقتباس شد، بینندگان زیادی از نقاط مختلف کشور روی خط آمدند و نفرت خودشان را از مسجد و مذهب و آخوند و رژیم اسلامی اعلام کردند. برخی از بینندگان از صحبتشان روشن بود که اعتقادات مذهبی دارند اما در دفاع از این برنامه و خیلی صریح و روشن گفتند که "مسجد برای چه میخواهیم؟" مدرسه میخواهیم، کار میخواهیم، رفاه میخواهیم، آزادی میخواهیم،



صحبت هفته قبل يك بیننده از یکی از روستاهای چهارمحال

مجری برنامه: اصغر کریمی در این برنامه که عنوان آن از

تلویزیون های آن ها، تلویزیون ما

مهراب دشتی

دیران اسلامزده، يك درصد مردم که حکومتگران و حامیان حقوق بگیر و جیره خوار و سرمایه داران و سانديس خواران و اوباشان رژیم را تشکیل می دهند، بیش از ۱۲ شبکه ی تلویزیون داخلی و دهها تلویزیون برون مرزی مانند پرس تی وی و المنار و الجزیره و بی بی سی و صدای امریکا و ... دارند و در مقابل ۹۹ درصد مردم در حال حاضر فقط يك تلویزیون دارند. تلویزیون های آنها، بطور شبانه روزی و با بوق و کرنا دارد "آقای" شان را نمایش می دهد که راجع به همه چیز حرف می زند و نظر می دهد الا از زندگی مردم .

او از آدم و حوا خبر دارد. از ۱۲۴ هزار پیغمبر خبر دارد. چنان از صحنه های جنگ های ۱۴۰۰ سال پیش حرف می زند که انگار خودش فرماندهی آنها را به عهده داشته است!

چنان از عالم قبر و قیامت و بهشت و جهنم صحبت می کند که انگار تازه از آنجا برگشته است!

بعد از "آقا" نوبت به دانشمندان! حوزه می رسد. از اخلاق گرفته تا فلسفه و جامعه شناسی و تاریخ و روان شناسی و همه ی دانش های فنی و طبیعی و حتا انسانی صحبت به میان می آورند و برای همه ی مشکلات جامعه و تاریخ نسخه های درمان می پیچند .

بعد از این ها، اخبار سرتا پا دروغ پخش می شود. از بیداری اسلامی! درجهان گرفته تا میزان رشد و تولید علم در ایران! تا تحریف سخنان فلان سیاستمدار خارجی در مورد موقعیت و جایگاه حکومت ایران تا هاله های نور دور سر دیناسورها ی حکومتی و بقیه ی قضایا که چشم و گوش مردم از این خزعبلات پر است. از بحران های اقتصادی و سیاسی

کشورهای دیگر گرفته تا فقر و اعتیاد و بی خانمانی و کارتن خوابی مردم در نیویورک و مسکو و پاریس و لندن! از سونامی و سیل و آتش فشان و رانش زمین در نپال و اقصی نقاط جهان که در اثر زیاد شدن بی حجابی و گناه ساکنان کره زمین دارد نازل می شود. اما دوربین خبرنگاران تلویزیون های جمهوری اسلامی شکوفه های گیلاس و نارنج را در فصل زمستان نشان می دهد و رضایت شهروندان را از کارگزاران و دست درکاران حکومت به تصویر می کشد و در یک کلام، اینجا گلستان است و بقیه ی دنیا خرابه ای است که اگر مدیریت آن به دست با کفایت حاکمان ایران بیفتد، میتواند از این همه مصیبت و خرابی نجات پیدا کنند!

اما تلویزیون ما يك كانال بیشتر ندارد. از ماهواره پخش می شود، البته اگر پارازیت های جمهوری اسلامی امان بدهد. اما تلویزیون ما صدای کم صدایان و بی صدایان است. فریاد میلیون ها انسان زحمتکشی است که حق شان پایمال می شود. تلویزیون ما زبان اعتراض کارگرانی است که حتا برای فروش اجباری نیروی کار خود حق چانه زدن ندارند. تلویزیون ما صدای کارگرانی است که دستمزدشان ماه ها پرداخت نمی شود. تلویزیون ما، تلویزیون معلمانی است که به افت تحصیلی، به بی تغذیه گی دانش آموزان، به دخالت مذهب در آموزش و پرورش، به بخاری های نفتی و آتش سوزی های فاجعه بار، به شین آباد، به بشاگرد، به کلاس های تشکیل شده در کپرها و آغل گوسفندان، به اعدام کردن فرزند کمانگراها، به زندانی کردن معلمان معترض، اعتراض دارند .

تلویزیون ما، صدای دانشجویانی است که از شهریه های سرسام آور و به ستاره دار کردن و اخراج دانشجویان، به تفکیک جنسیتی و ممنوعیت فعالیت های سیاسی و اجتماعی دانشجویان و به سرکوب جنبش دانشجویی اعتراض دارد .

تلویزیون ما، صدای خشم خروشان زنانی است که مخالف حجاب اجباری و مخالف نابرابری جنسی و مخالف نابرابری هستند. تلویزیون ما زبان کودکان کار و خیابان و قربانیان سود

و سرمایه است. تلویزیون ما، کانال انعکاس صدای زندانیان سیاسی است که در زندان های جمهوری اسلامی اسیرند. تلویزیون ما صدای همه ی کسانی است که با اعدام و سنگسار و سانسور مبارزه می کنند. تلویزیون ما صدای کارگران مهاجر است که بخشی از طبقه ی کارگر ایران بشمار می روند. تلویزیون ما صدای خانواده های انقلابیونی است که توسط جلادان و دژخیمان جمهوری اسلامی کشتار شده اند. تلویزیون ما صدای "قبض ها را نپر دازیم" است. تلویزیون ما صدای نه به جمهوری اسلامی است. تلویزیون ما صدا و وسیمای انسان های آزادیخواه و برابری طلب است. تلویزیون ما، تلویزیون يك دنیای بهتر است. تلویزیون ما، مروج آزادی های بی قید و شرط بیان و اندیشه است. تلویزیون ما،

دانشگاه سازماندهی اعتراضات فزاینده ی مردم بسته آمده است. تلویزیون ما، تلویزیون اصالت پراتیک و کمونیسم اکتیو و حاضر در صحنه های زندگی است. تلویزیون ما صدای منصور حکمت، صدای حمید تقوایی، شهلا دانشفر، مینا احدی، مریم نمازی، کاظم نیکخواه، خلیل کیوان، مصطفی صابر، سیامک بهاری، سیما بهاری، محسن ابراهیمی، کیوان جاوید و صدای هزاران فعال جنبش کمونیسم کارگری در ایران و جهان است. تلویزیون ما، تلویزیون همه ی مردم سرنگونی خواه است. تلویزیون ما، تلویزیون انقلاب انسانی و حکومت انسانی است. تلویزیون ما، صدای رسای يك کمونیسم شاد و مدرن است. تلویزیون ما، صدا و وسیمای انقلاب است. تلویزیون ما، کانال جدید است. *

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد درگذشت رفیق عوفی ماضی (ابو کریم)

صمیمانه به خانواده ابوکریم، به کارگران و مردم عراق، به کمونیست ها و تک تک اعضا و رهبری حزب کمونیست کارگری چپ عراق تسلیت میگوید و عمیقا خود را در غم از دست دادن این رفیق عزیز شریک میداند .

یاد عوفی ماضی (ابوکریم) برای همیشه گرامی خواهد ماند . حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ اکتبر ۲۰۱۳

عراق و چند سال پس از آن به عضویت حزب کمونیست کارگری چپ عراق درآمد و پس از مدت کوتاهی عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی این حزب شد. متاسفانه بیماری قلبی خیلی زود ابوکریم را از پا درآورد و طبقه کارگر و مردم ستمدیده عراق یکی از رهبران خوب و لایق خود را از دست دادند . حزب کمونیست کارگری ایران درگذشت ابوکریم عزیز را

رفیق عوفی ماضی مشهور به ابوکریم عضو دفتر سیاسی "حزب کمونیست کارگری چپ عراق" در سن ۶۰ سالگی در روز ۱۳ اکتبر بدلیل سکنه قلبی درگذشت .

ابوکریم یکی از رهبران کارگری محبوب و شناخته شده در عراق بود که سالهای طولانی عمرش را صرف مبارزه در راه متشکل کردن کارگران عراق کرد. ابوکریم رئیس اتحادیه کارگران خدمات عراق و از رهبران فدراسیون شوراها و سندیکاهای عراق بود و بدلیل پیگیری، جسارت و از خودگذشتگی در مبارزه علیه ظلم و نابرابری و استثمار، به رهبری محبوب در میان کارگران عراق تبدیل شد. رژیم صدام بارها ابوکریم را دستگیر و به زندان انداخت و تحت شکنجه قرار داد اما علیرغم همه این فشارها ابوکریم با جسارت به مبارزه ادامه داد . ابوکریم در سال ۲۰۰۳ به عضویت حزب کمونیست کارگری



صحنه ای از سخنرانی ابوکریم در بغداد در دفاع از کارگران زندانی در ایران



سرنوشت مافیای دولتی "مسکن مهر"

محمد شکوهی



نداده و هی امروز فردا میکنند. رسماً وبه بهانه خانه سازی و صاحب مسکن کردن مردم میلیاردها تومان پول مردم را بالا کشیده و مردم زیر فشاربازپرداخت اقساط وام مسکن گرفته اند. پروژه مسکن مهر نظیر همه پروژه ها و طرح های به اجرا در آمده در جمهوری اسلامی، در وهله اول هدفش پر کردن جیب مافیای فعال در این عرصه، از دولتی ها گرفته تا باند مافیایی بنیاد مسکن جمهوری اسلامی، دزدی های افسانه ای و خانه خراب کردن میلیونها نفر بوده است. مسکن مهر در دست دولتی ها و مافیای وزارت مسکن و شهر سازی، بنیاد مسکن رژیم به همراه بانکها قرار

است. البته مواردی که جناب آخوندی به آن اشاره می کند فقط چند نمونه نیستند. به اعتراف دولت میلیونها خانه ساخته شده توسط باندهای گردآمده در پروژه مسکن مهر در سراسر کشور همین وضعیت را دارند. لازم به توضیح است که در طول سالهای گذشته اعتراضات گسترده ای برعلیه ساخت و پخت باندها در تحویل به موقع خانه های ساخته شده به مردم، خرید و فروش اسناد آپارتمانهای در دست ساخت و ساز در بنگاههای املاک به متقاضیان خارج از لیست، منظور لیست متقاضیان ثبت نام کرده و در نوبت رفته برای گرفتن خانه، یک منبع پر سود برای باندهای درگیر در مافیای خرید و فروش مسکن شده است. بارها مردم به همین دلایل و به دلیل غیر مقاوم بودن خانه های ساخته شده و تحویل داده شده، نبود حداقل های امکانات زیستی از آب و برق و گاز گرفته تا دوری شهرکهای ساخته شده از شهر بزرگ و مشکل رفت و آمد و ... دست به اعتراضاتی بر علیه سیاستهای دولت زده اند. در کنار این موارد موضوع باز پرداخت وام با قسط بندی جدید حتی برای کسانی که هنوز در نوبت دریافت خانه می باشند، اعتراض مردم رابلدنتر کرده است. این وضعیت پروژه مسکن مهر است. این پروژ در واقع یک عرصه مهم سودآوری مافیای دولتی ها در عرصه مسکن و ایجاد اشتغال برای این مافیا می باشد. ادعا می کنند میلیاردها تومان برای ساخت خانه های ارزان قیمت هزینه کرده اند که از حداقل های استاندارد مسکن امن برخوردار نیستند. میلیاردها تومان پول مردم را گرفته و خانه ای تحویل مردم

مسکن کرده و با دریافت وام و بستن قرارداد تحویل خانه با پروژه مسکن مهر احمدی نژاد وارد این طرح دولتی ها شدند.

در باره آخرین وضعیت پروژه مسکن مهر آخوندی وزیر مسکن و شهر سازی دولت روحانی مدتی پیش اعلام کرد: ما به تعهدات دولت قبل پایبندیم اما باید دانست هم اکنون ۲۰۰ هزار واحد مسکونی مسکن مهر فاقد امکانات است و این طور نمی شود کشورداری کرد. نمی شود خلق الله را به بیابان برد. باید دید هزینه فایده چه بوده است؟ وی در ادامه گفته است: قرار بوده که ساخت مسکن مهر به نفع طبقات کم درآمد باشد اما عملاً به نفع طبقه متوسط شده و بنابراین هدف خود را تامین نکرده است. به عنوان نمونه شهر پرنده حدود ۲۰ هزار واحد مسکونی تکمیل شده دارد که به دلیل نبود امکاناتی نظیر آب، برق، گاز و شبکه فاضلاب قابل واگذاری به متقاضیان نیست. در شهر پردیس وضعیت بغرنجتر است؛ هم اکنون به دلیل آنچه طلب پیمانکاران اعلام می شود ساخت و ساز مسکن مهر این شهر در بسیاری از پروژهها متوقف شده است. دست آخر جناب وزیر با توجه به این وضعیتی که مسکن مهر دارد خواستار متوقف کردن آن شده

پروژه "مسکن مهر" در دوره دولت احمدی نژاد راه انداخته شد. ادعا شد که این پروژه قرار است نیاز مسکن مردم را تا آخر دولت احمدی نژاد تامین نماید. با اعلام این پروژه وزارت مسکن و شهرسازی از شرکتهای ساخت و ساز خانه خصوصی ودولتی درخواست کرد برای "صاحب خانه کردن مردم" به پروژه مسکن بپیوندند. با تصویب این طرح در دولت و نظر مثبت مجلس رژیم دهها شرکت بزرگ ساخت و ساز با سرمایه های دولتی و با حمایت وزارت مسکن و شهر سازی و بنیاد مسکن جمهوری اسلامی وارد این پروژه سودآور شدند. به عبارتی دولت و شرکتهای دولتی تمام پروژه را از دولت کنتراست گرفتند. در اقدام بعدی به توصیه و درخواست دولت احمدی نژاد بانکها هم وارد تجارت مسکن شدند. دولت برای راغب کردن مردم برای تامین مسکن مورد نیازشان، موضوع پرداخت وام مسکن برای خانه دار شدن را به اجرا گذاشت. سقف وام مسکن از ۱۰ میلیون تومان شروع و تا ۳۰ میلیون تومان با بهره بانکی بالای ۱۰ درصد و برای مدت ۱۰ تا ۱۵ سال همراه با تسهیلات دولتی آغاز شد. میلیونها نفر به دلیل کمبود و نیاز شدید به خانه و به امید خانه دار شدن تقاضای وام

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

**تلفن تماس با حزب در
خارج از کشور**

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

**I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden**

تفکیک جنسیتی در دانشگاهها و اعترافی دیگر به شکست

شهلا دانشفر

یک موضوع مهم اعتراضات دانشجویان در دانشگاهها علیه تبعیض جنسیتی است. زیر فشار این اعتراضات مقامات رژیم ناگزیر در جایی چون مشهد با طرح خنده دار جداسازی جنسیتی "ساعتی" جلو آمده اند تا بلکه به این شکل آخرین سنگر برای اجرای سیاست اسلامی کردن دانشگاهها را برای خود حفظ کنند. طرحی که با تمسخر و اعتراض دانشجویان روبرو شده است. زیر همین فشارها نیز شهیندخت مولاوردی معاون روحانی در امور زنان و خانواده! در خصوص تفکیک جنسیتی در برخی مراکز! به این حقیقت اعتراف میکند که الان واقعیت های حاکم

بر جامعه نشان میدهد که بحث تفکیک جنسیتی نه به نفع جامعه و نه به نفع دختران و زنان و حتی خانواده هاست! واقعا کشف بزرگی است!!!

این اعترافات بطور واقعی اعلام شکست رژیم اسلامی در برپایی دیوار آپارتاید جنسی در دانشگاهها و در سطح جامعه است. این سخنان یک عقب نشینی بزرگ و نشانگر رشد جنبش رهایی زن در جامعه است. مولاوردی میگوید: "زمانی که دختری با رتبه عالی در رشته مورد علاقه اش پذیرفته نمی شود و در مقابل پسری با رتبه پائین تر در بهترین رشته پذیرفته می شود، موجب

می شود جوانان ما مایوس و سرخورده باشند و حتی این موضوع را به نوعی به دین و بحث مذهب نسبت دهند و طبیعتاً نتیجه این موضوع در جامعه دین گریزی و دین ستیزی در نسل جوان را در پی دارد."

این سخنان در عین حال نشانگر ترس مقامات حکومت اسلامی از رشد جنبش قوی خلاصی فرهنگی و زیر پا گذاشتن قوانین ارتجاعی اسلامی توسط جوانان و کل جامعه و به قول خودشان دین گریزی در نسل جوان است. اینها همه نشانگر زیر پا گذاشتن قوانینی است که یک رکن مهم ستم کشی زن در جامعه ایران

است. مهمتر اینکه این سخنان بطور واقعی نشانگر مضمخه ایست که دولت روحانی و حکومت اسلامی در آن قرار دارد. از همین رو می بینیم که از یکسو گشت های آمرین به معروف و طرح های حجاب و عفافشان به راه انداخته اند و تقابل با این قشون کشی ها و تقابل با "حجاب اجباری" یک عرصه مهم کشاکش مردم با رژیم اسلامی است، از سویی دیگر زیر فشار جامعه بحث از این میکنند که "عفاف مهم است نه حجاب".

یا بطور مثال از یکسو طرحهای جداسازی جنسیتی شان در دانشگاهها و در هر جا که دستشان میرسد، به راه است، از سویی دیگر مقامات دست اندر کار حکومتی از جمله مولاوردی یکی دیگر از خواهر زینب های حکومت اسلامی ناگزیر بر عقب بودن چنین طرحهایی از تفکر جامعه اعتراض میکنند. در چنین تنگنایی همه اینها همچنین یک

موضوع مهم کشاکشها و نزاعهای درون حکومتی است. به عبارت روشنتر این بن بست است که دولت روحانی و حکومت اسلامی در آن قرار دارد. صحبت های مولاوردی نیز بخشی از همین داستان است که بیش از هر چیز بیانگر استیصال رژیم اسلامی در قبال جنبش قدرتمند رهایی زن و زنان و مردان معترض در جامعه است. جنبشی که بطور واقعی کوتاه شدن دست مذهب از زندگی جامعه، لغو حجاب اجباری و فروپاشیدن دیوارهای آپارتاید جنسی، از جمله ارکان مهم آنست. جنبشی که با سازمان یافتن صف آن و با ابراز وجودش در قامت تشکیلهای و نهادهای دفاع از حقوق زن و نیز با جلو آمدن صفی از رهبران سرشناس و رادیکال، میتواند وزن و جایگاه واقعی خود را در جنبش اعتراضی جامعه پیدا کند.*

شریعه به تاون بریج ولز، بوستون، ادینبورگ، مارس، منچستر، لستر، دوبلین و ساتن مسافرت کرده ایم. همچنین اخیراً، مریم نمازی بخاطر مبارزه برای حقوق زنان و ویلاگ نویسی به عنوان روزنامه گار برجسته سال ۲۰۱۳ انتخاب شد.

جشنواره شور و شوق برای آزادی
در طول روزه های دوم تا نهم نوامبر ۲۰۱۳، "قانون برابر برای همه" جشنواره هنری شور و شوق برای آزادی پنجمین جشنواره هنری را برگزار خواهند کرد که در آن هنرمندان منتخب کارهایشان را به نمایش خواهند گذاشت. قاضیان اهدا کننده جوایز آندا روتنبرگ، سارا میل، دیاه و نیک کوهن خواهند بود.

برای اطلاعات بیشتر در این زمینه میتوانید به سایت زیر مراجعه کنید:

<http://www.passionforfreedom.co.uk/>

Maryam Namazie
Spokesperson
One Law for All
BM Box 2387, London
WC1N 3XX, UK
tel: +44 (0) 7719166731
email: onelawforall@gmail.com
web: <http://www.onelawforall.org.uk/>

که مجری ازدواج با کودکان و ازدواجهای اجباری هستند میباشد. نمیتوان فقط به تکذیب دادگاهها و مساجد در قبال خطاکاریشان، فریقتن عموم با مغلظه اسلامی و اجرای تحقیقات داخلی برای مدتی که آنها تحت بررسی عمومی هستند بسنده کرد. اگر ما خواهان حمایت از تمامی کودکان هستیم باید آهایی را که کودکان زیادی را به خشونت دائم، تجاوز و اذیت و آزار محکوم میکنند، تحت تعقیب قضایی قرار دهیم.

برنامه های دیگر:
دربحث مجدد در مورد برقع و نقاب، ما در تاریخ ۱۵ اکتبر در محل دانشگاه دانشگاه اقتصاد در لندن (LSE) در مورد این مسائل بحث خواهیم کرد. همچنین در مورد جنبش زنان در مجلس لردهای انگلیس و در مورد قانون شریعه، سکولاریزم و برقع در برایتون، سیلنبری و نیویورک صحبت خواهیم کرد. برای اطلاعات بیشتر:

<http://www.onelawforall.org.uk/category/events/>

در چند ماه گذشته، ما در جهت جلب توجه و حمایت و بیداری افکار عمومی نسبت به دادگاههای

ما مشتاقانه مبارزاتمان را ادامه می دهیم

مریم نمازی

حاضر بودند که کودکان خردسال ۱۲ ساله را از ازدواج بدهند و در گزارشی دیگر معلوم شد که حداقل ۳۰ دختر بچه و بعضاً از ۹ سالگی، تحت قوانین شریعه در یکی از مناطق لندن ازدواج کرده بودند.

در سال ۲۰۱۱، ۴۰۰ کودک به ازدواج اجباری درآمدند که یکی از آنان فقط ۵ سال داشت. بر خلاف شواهد روزافزون و بیم اینکه هزاران کودک در بریتانیا به بهانه تعطیلات تابستانی به خارج برده شده و در معرض ازدواج اجباری قرار گیرند، هیچ تعقیب قضایی صورت نگرفته است. بر اساس گفته های جاسویندر سانگرا نسبت به این موضوع به دلیل بی بصیرتی و "حساسیت فرهنگی" پوشش گذاشته شده و بنابراین مانع از هر گونه اقدام در جهت حمایت واقعی از کودکان شده است.

"قانون برابر برای همه" خواستار تعقیب قضایی امامها، قاضیان دادگاههای شریعه و تمامی کسانی

آزادی بیان و "اسلام هراسی"، مدارس دینی و آموزش مذهبی و موضوعات دیگر در این کنفرانس شرکت خواهند داشت. لطفاً تاریخ کنفرانس را در دفتر روزانه خود ثبت و بلیط خود را هر چه زودتر تهیه کنید تا از مزایای بلیط ارزان بهره مند شوید. اطلاعات بیشتر را میتوانید از اینجا بگیرید:

<http://www.onelawforall.org.uk/2014-conference-religious-right-secularism-and-civil-rights/>

ازدواج با کودکان

در برنامه ای مستند از کانال آی تی وی افشا شد که ۱۸ تن از امامان مساجد حاضر بودند که دختران ۱۵ ساله را ازدواج بدهند علیرغم اینکه میدانستند ازدواج با کودکان با قوانین بریتانیا مغایرت دارد.

این گزارش ادامه تحقیقاتی است که در سال ۲۰۱۳ توسط "سندی تایمز" انجام شد و در آن مشخص شد که امامانی در بریتانیا

قانون برابر برای همه

اکتبر ۲۰۱۳

اولاً، اجازه بدهید با یک خبر خوب آغاز کنیم. ما بسیار خوشحالیم اعلام کنیم که "حقوق انسانی برای همه" برای دفاع از برابری حقوقی شهروندان در کشور ترکیه تأسیس می شود. این گروه به "قانون برابر برای همه" میبویند. ما منتظر همکاری نزدیک و دائم با دوستان سکولار در ترکیه و منطقه هستیم.

دو روز کنفرانس بین المللی

"قانون برابر برای همه" و "فتنه"، جنبش دفاع از حقوق زنان" به منظور تقویت جبهه بین المللی سکولاریسم، در حال سازماندهی دو روز کنفرانس بین المللی طی روزهای ۱۱ و ۱۲ اکتبر ۲۰۱۴ در لندن هستند. سخنرانان سرشناسی برای مباحثه و تبادل نظر در مورد بهار عربی، شریعه و قوانین مذهبی، برقع و سمبلهای آشکار مذهبی،

موجی از اعتصاب پتروشیمی های ماهشهر را فراگرفت کارگران به موفقیت هائی دست یافتند

اعتصاب پیوستند و کارگران شرکت سباران در پتروشیمی بندر امام مشغول امضای طوماری با مضمون خواسته های کارگران فراورش شدند.

کارگران پتروشیمی ماهشهر الگوئی برای کارگران سایر مراکز صنعتی هستند. پافشاری بر خواسته ها، اتحاد و دست زدن همزمان مراکز مختلف به اعتصاب و اعتراض، مدون کردن خواسته ها، درایت و هوشیاری نمایندگان کارگران در مذاکرات، گزارشی و مطلع کردن توده های کارگر از روند مذاکره، توسط نمایندگان کارگران، از جمله نقاط برجسته اعتراضات کارگران پتروشیمی های ماهشهر است. کارگران در سراسر کشور باید خود را برای اعتصابات بزرگ و متحدانه برای افزایش دستمزد، پایان دادن به کار پیمانکاران و عقد قرارداد مستقیم با کارفرمایان، حق تشکل و اعتصاب و سایر مطالبات خود آماده کنند. راهی جز دست زدن به اعتصابات بزرگ سراسری و منطقه ای و تجمعات اعتراضی برای بیرون کشیدن حقوق خود از حلقوم سرمایه داران و دولت آنها نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آبان ۱۳۹۲، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳

اعتصاب سه روزه کارگران شرکت های پیمانکاری فراورش و خوارزمی در پتروشیمی بندر امام در هفته گذشته، این اعتصاب با وعده مسئولین پتروشیمی جهت برگزاری جلسه ای برای رسیدگی به خواسته های کارگران پایان یافت و روز ۲۹ مهرماه در جلسه ای با حضور نماینده های کارگران و کارفرمایان و پس از مذاکره ای طولانی، کارگران موفق شدند به همه خواسته های خود دست پیدا کنند و دستورالعمل آن توسط مدیر عامل پتروشیمی بندر امام امضا شد و کارگران به خواست های زیر دست یافتند: افزایش ۳۲ درصد دستمزد، ۴ درصد حق کار سخت و زیان آور و حق نوبتکاری هماهنگ.

بدنبال اعتصاب کارگران پیمانکاری شرکت های فراورش و خوارزمی، اعتصاب به پتروشیمی های اروند و مارون کشیده شد که با خواسته های مشابه در روزهای ۲۹ و ۳۰ مهر دست به اعتصاب زدند. کارگران پتروشیمی فجر نیز به



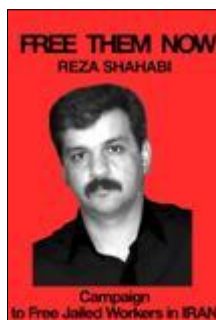
کارگران پتروشیمی های ماهشهر که مبارزات طولانی مدت و متعدد و متحدانه ای در سالهای گذشته داشته اند، در هفته گذشته نیز بار دیگر دست به اعتصاب و اعتراض زدند. کارگران خواهان افزایش دستمزد، حق سختی کار، برچیدن بساط پیمانکاران و عقد قرارداد مستقیم و دائم با کارفرما و برخی مطالبات دیگر هستند. بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال

رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد است و بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران در زندان است. رضا شهابی در زندانهای رژیم اسلامی دچار چنین وضعیتی شده و خطر فلج شدن وی را تهدید میکند و این بخشی از شکنجه رژیم اسلامی در قبال کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۸ مهر ۹۲، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۳

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

بازگرداندند. دو هفته قبل از آن نیز رضا شهابی جهت عکسبرداری به بیمارستان شهدای تجریش اعزام شده بود. طبق مجوز پزشکان قرار است رضا هر چه زود تر جهت MRI مجدداً به بیمارستان اعزام شود. بنا بر خبر ها بعد از معاینات انجام شده، پزشکان رضا مجدداً تاکید کرده اند که وی باید خارج از زندان و با استفاده از امکانات فیزیوتراپی و آب درمانی تحت معالجه و درمان قرار گیرد.



رضا شهابی نیاز به درمان فوری دارد

اطلاعیه شماره: ۱۲۶

جمهوری اسلامی در قبال وضع جسمانی رضا شهابی مسئول است

اخبار نگران کننده ای هر روزه از رضا شهابی از چهره های شناخته شده کارگری در زندان بگوش میرسد. مدتهاست که رضا از درد کمر و بی حسی پای چپ خود رنج میبرد و بعد از فشارهای بسیار بالاخره ساعت ده صبح روز ۲۷ مهر به بیمارستان امام خمینی انتقال یافت و جانیان اسلامی دوباره در ساعت ۱۲ ظهر او را به بند ۳۵۰ اوین

یک همبستگی پر شور با کارگران زندانی در ایران

اطلاعیه شماره: ۱۲۷

روز ۲۱ اکتبر به ابتکار یوران گوستاوسون همکار کمپین برای آزادی کارگران زندانی در سوئد، تعدادی از کارگران اتحادیه شهرداری با در دست داشتن عکس هایی از کارگران زندانی در ایران همبستگی خود را با این کارگران و جنبش کارگری ایران اعلام داشتند. این همبستگی بدنبال نشستی اتحادیه ای صورت گرفت. اتحادیه کارگران شهرداری سوئد شعبه استهکلم قبلا نیز طی بیانیه ای خواستار آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شده بود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۳۰ مهر ۹۲، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۳

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com



از صفحه ۳

انقلاب اکتبر، بلوک شرق و کمونیسم

حمایت بورژوازی است و بحثی هم از خفقان و سرکوب این ابزار حاکمیت بورژوازی برای بقای سود سرمایه اش نیست. اما تا از کمونیسم صحبت میشود اول پرونده خفقان و جنایات بورژوازی دولتی ای که بعد از شکست انقلاب روسیه به اسم کمونیسم در حاکمیت قرار داشت را به نام کمونیسم و ما کمونیستها تمام میکنند و بعد آنرا مجوزی قرار میدهند تا کل آزادیخواهی و برابری طلبی و آرمانهای انقلاب انسانی را زیر حمله قرار دهند. این شارلاتانیسم محض است. اینکار را میکنند چون از کمونیسم میترسند. چون کمونیسم پایه های کل نظام طبقاتی را نشانه میبرد. چون کمونیسم یعنی برابری، یعنی آزادی. و یعنی همان آرمانهایی که اهداف اولیه انقلاب اکتبر بودند و در واقع حمله به کمونیسم. حمله به انقلاب اکتبر، تبلیغاتی چون اینکه حاکمیت کمونیسم یعنی خفقان و غیره ترس از چنین آرمانهای انسانی ای است.

سیمما بهاری، شما میگویید اینها به کمونیسم ربطی ندارد. بالاخره چرا يك استثنا وجود ندارد که کمونیستها به حکومت رسیده باشند و جامعه بهبودی جدی پیدا کرده باشد؟ منظور اینست که بالاخره چرا این اتفاق افتاد؟ چرا کمونیسم در کشورهای مختلفی توسط نیروهای دیگری عقب رانده شد و به شکست رسید و حاصل آن عقب گرد بود و اختناق و سرکوب؟

شهلا دانشفر: آنچه در کشورهای مختلف تحت نام کمونیسم عمل میکرد چند تجربه مجزا توسط نیروهای ماهیتا مختلف نبود. يك جنبش واحد در تمام بلوک شرق و کشورهای مختلف حاکم گردید و حتی

جنبش اعتراضی کارگری در سطح جهان در نتیجه انقلاب اکتبر متوقف شد و جلو آمد و دستاوردهایی داشت و بسیاری از سیاستهای رفاه اجتماعی در غرب بدنبال انقلاب اکتبر و از ترس گسترش این انقلاب بود که جلو کشیده شد. همین تحولات اگر چه در يك مقطع کوتاهی روی داد اما خود يك استثنا در تاریخ و يك نقطه عطف است.

ولی بگذارید به سوال شما و اینکه چرا کمونیسم در کشورهای مختلفی توسط نیروهای دیگری عقب رانده شد و به شکست رسید و حاصل آن عقبگرد بود و اختناق و سرکوب پاسخ دهم. من در جواب به این بخش سوال شما از علت شکست انقلاب اکتبر شروع میکنم. در این مورد نیز ما بحث های زیادی داشته ایم و در برنامه يك دنیای بهتر رئوس اصلی نظرم را توضیح داده ایم. بورژوازی ارتشهایش را از تمام جهان بر علیه دولت شورایی کارگری، بر علیه کارگران متشکل در شوراهایشان به حرکت در آورد و جنگی رسمی و تمام عیار را از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ از تمام مرزهای شوروی آن زمان آغاز کرد تا انقلاب اکتبر را شکست دهد. ولی به دست همان کارگران و مردم گرسنه و محرومی که تازه از شر ارتجاع تزاری خلاص شده و قدرت را به دست خود گرفته بودند، شکست خورد. جالب اینجاست که بورژوازی و سخنگویانش به این اشاره میکنند که وقتی ارتشهایشان را از هر گوشه ای از جهان برای به شکست کشاندن انقلاب اکتبر به حرکت در آوردند و وارد خاک این کشور شدند و دست به کشتار و توحش و جنایت زدند، اصلا از استالین و دیوار آهنینش و دیکتاتوری سرمایه داری دولتی در شوروی و بلوک شرق خبری نبود. آنها نمیگویند که در آن زمان به کشوری حمله کردند که برای اولین بار در تاریخ جوامع، از حق آزادی برای همه مردم، از رفع ستم و استثمار و رفاه و از برابری زن و مرد سخن میگفت. اما بعد که زیر فشار همین

حملات و در فقدان يك افق روشن تحول سوسیالیستی مناسبات اقتصادی جامعه انقلاب اکتبر از مسیر اولیه اش خارج شد و به شکست کشانده شد، این شکست را میکوشند به اسم ما کمونیستها بنویسند.

بنابراین حقیقت تاریخی اینست که در روسیه جنبش کمونیستی کارگری به رهبری حزب بلشویک توانست در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ قدرت را بدست بگیرد و حکومتی کارگری برپا شد. این دولت توانست تلاش های نظامی مستقیم ارتجاع شکست خورده برای بازگشت به قدرت را خنثی کند. اما علیرغم این پیروزی، همانطور که اشاره کردم در متن اوضاع تاریخی آن دوره و در فقدان يك افق روشن برای تحول سوسیالیستی مناسبات اقتصادی جامعه، آرمانهای بورژوازی صنعتی و نگرش ناسیونالیستی حاکم شد و در نتیجه انقلاب روسیه عقب زده شده و شکست خورد.

به عبارت روشنتر و به همه دلایلی که اشاره کردم در روسیه طبقه کارگر موفق شد قدرب سیاسی را بگیرد. اما در از بین بردن و نابود کردن بنیادهای سرمایه داری یعنی لغو نظام مزدی و اشتراکی کردن وسایل تولید ناتوان ماند. طبقه کارگر و مردم محروم نتوانستند گام های عملی ای برای دست زدن به تحولات اقتصادی و اجتماعی ای که برای همیشه به دوره فرودستی اکثریت مردم پایان دهد بردارند.

به این صورت بود که طبقه کارگر قدرت سیاسی را از دست داد و بجای حکومت کارگری، يك دولت نوظهور بورژوازی، با يك بوروکراسی و ماشین نظامی عظیم، متکی بر يك اقتصاد سرمایه داری دولتی در روسیه ظهور کرد. این خلاصه داستان شکست انقلاب اکتبر بود. بعدا همانطور که اشاره کردم با شکست انقلاب روسیه مدل دولتی سرمایه داری و حفظ نظام کارمزدی به الگوی اقتصادی قطب به اصطلاح کمونیستی تبدیل شد. اقتصاد دولتی و اقدام به جایگزینی مکانیسم بازار با

برنامه و تصمیمات اداری و درجه ای از تعدیل ثروت و تامین حداقلی از خدمات رفاهی و بیمه های اجتماعی برای عموم که زیر فشار انقلابی که اتفاق افتاده بود، تمام محتوای به اصطلاح سوسیالیستی کمونیسم بورژوازی اتحاد شوروی و بلوک شرق را تشکیل داد. و طبعاً اینها هیچکدام ربطی به کمونیسم نداشتند. همانطور که در برنامه يك دنیای بهتر نیز اشاره کرده ایم این کمونیسم بورژوازی است که در قرن بیستم با تغییر مسیر و سپس شکست انقلاب کارگری در روسیه شکل گرفت.

بعد از آن نیز شکل دیگری از کمونیسم بورژوازی جنبشهای ارضی و دهقانی بودند که به مبنای نوع جدیدی از کمونیسم "جهان سومی" تبدیل شدند. نمونه برجسته اش کمونیسم چینی است که محتوای آن عبارت بود از استقلال اقتصادی، صنعتی شدن و توسعه سریع اقتصاد ملی بر مبنای يك مدل دولتی و برنامه ریزی شده، و نیز خروج از سلطه سیاسی علنی قدرتهای امپریالیستی و گاه حتی احیای سنت ها و میراث فرهنگی کهنه محلی در تقابل با مدرنیسم و فرهنگ غربی، که محتوای این نوع کمونیسم تاثیر عمیقی بر نگرش و سیاست جریانات به اصطلاح کمونیستی در کشورهای عقب مانده داشت.

بدین ترتیب اینها همه زمینه های پیدایش جریانات مختلف کمونیسم غیر کارگری در قرن بیستم و عقب نشینی مارکسیسم بود. و بدنبال این تاریخ در غیاب يك سنت بانفوذ کمونیسم کارگری، طبقه کارگر عملاً برای دهها سال از ابراز وجود سیاسی مستقل و قدرتمند در چهارگوشه جهان باز ماند.

اما بعدا با بن بست اقتصادی قطب سرمایه داری دولتی، شاخه های اصلی کمونیسم بورژوازی در چند دهه اخیر یکی پس از دیگری به بن بست کشیده شدند. با فروپاشی خیره کننده شوروی و بلوک شرق در انتهای دهه هشتاد و اوائل دهه نود سخنگویان

ادامه صفحه ۱۰

از صفحه ۹

انقلاب اکتبر، بلوک شرق و کمونیسم

بورژوازی پیروزمندانه به آن "پایان کمونیسم" لقب دادند و آنرا جشن گرفتند.

ولی این دوره نیز بسیار کوتاه بود و دو سه سالی نگذشته بود که بحران جهانی سرمایه در اوایل دهه نود ورق را برگرداند. اواخر سال ۲۰۰۸ وقتی که بحران عظیم مالی جهانی وحشت مرگ سرمایه داری را جلوی چشم تمام سردمداران جهان قرار داد، همان رسانه‌های که "پایان کمونیسم" را جشن گرفته بودند تیتیر زدند "مارکس حق داشت".

امروز نیز جهان جدیدی را شاهدیم. جنبشی جهانی علیه سرمایه داری دارد شکل می‌گیرد که نظم موجود را تماما زیر سوال برده است. دمکراسی و پارلمانتاریسم بینانهای اصلی سرمایه داری زیر سوال رفته‌اند. جنبشی که خود را جنبش اشغال مینامد و شعارش همه قدرت بدست ما ۹۹ درصدی‌ها است.

سیمما بهاری، آیا نفس لغو مالکیت خصوصی و برنامه ریزی مرکزی و جایگاه محوری حزب کمونیست به ناگزیر به همین سیستم‌های در بسته و بوروکراتیک منجر نمیشود؟

شهلا دانشفر: سوال مهمی است. به نظر من بدون یک ساختار دمکراتیک، یعنی بدون اعمال اراده مستقیم کارگران، بدون حاکمیت شوراها و اعمال اراده اقتصادی شوراها، خطری که شما می‌گویید وجود خواهد داشت. بقول منصور حکمت در جامعه‌ای کمونیستی تولید کنندگان (کارگران) خود تشکیل دهنده دولت‌اند. یعنی اینکه اگر اعمال اراده اقتصادی در حیطه قدرت شوراها نباشد، شوراها ظرف اعمال اراده سیاسی و اداری کارگران نیز نخواهد بود.

این اتفاقی بود که در روسیه نیفتاد و در نتیجه به جای مالکیت جمعی و اشتراکی،

متشکل شدن مردم در مبارزه و انقلاب، ایده متشکل ماندن مردم پس از بیروزی انقلاب، ایده شعار تمام قدرت به شوراها را به میان جامعه می‌برد. در واقع جهتگیری، اهداف سیاسی و تصمیمات عملی شوراها تابعی است از پراتیک و عملکرد احزاب که در دل این شوراها فعالیت دارند. مردم حزبشان را در بستر این فعالیت انتخاب میکنند. ما میکوشیم افق کمونیسم و آرمانهای اکتبر یعنی افق خلاصی از استثمار، ستمگری، بیحقوقی و دست یافتن به جامعه‌ای پر از رفاه و انسانی را افق شوراها و انقلاب مردم قرار دهیم. اینها همه آرمانهایی است که امروز در جهان دارد فریاد زده میشود.

سیمما بهاری: شما از یک جامعه آرمانی صحبت میکنید اما جامعه آرمانی را آدمهایی آرمانگرا میتوانند بسازند. اما گفته میشود که آدمها بنا به خصلت و طبیعتشان خودخواه و طرفدار نفع شخصی و فردگرا هستند و در نتیجه آن جامعه آرمانی هم فقط روی کاغذ میماند و نهایتا همین سیستمی بوجود می‌آید که شما آنرا سرمایه داری دولتی مینامید. شما با تجربیات شکست خورده شوروی و بلوک شرق فکر میکنید چه باید کرد که این تجربه تکرار نشود؟ آیا یک درس و نتیجه این تجربه این نیست که باید واقع بین بود و آرمانگرایی را کنار گذاشت؟

شهلا دانشفر: علت اینکه روسیه شکست خورد و مسیر آن از اهداف اولیه اش منحرف شد این نبود که چون انسانها خصلت و طبیعتشان خودخواه و طرفدار نفع شخصی است و فردگرا هستند شکست خوردند و آرمانهایشان بر روی کاغذ ماند و چیزی به اسم سرمایه داری دولتی شکل گرفت.

من از یک جامعه آرمانی صحبت کردم ولی اشاره من به آرمان آزادیخواهی و برابری طلبی است. اشاره من به رهائی از ستم

و استثمار است. اشاره من به ساختن جامعه ایست که اساسش انسان است. اشاره من به آرمانهای انسانی است که تلاش برای رسیدن به آنها قدمتی تاریخی دارد و بشر همواره برای بهبود زندگی خود و برای رهایی مبارزه کرده است. اشاره من به سوسیالیسم است.

طبعاً همانطور که منصور حکمت می‌گوید دمکراسی، رفع تبعیضات حقوقی و سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی میان افراد، اقشار و ملتها همه و همه آرمانهای کهنه بشر هستند و اینها هیچکدام ویژه مارکسیسم نیست. کار مارکسیسم و کمونیسم ربط دادن این آرمانها و مطالبات به واژگونی یک نظام اقتصادی معین، یک مناسبات

موجود اقتصادی معین و عروج طبقه معینی در دل همین جامعه است. به عبارت روشنتر تا سرمایه داری باشد. تا استثمار و کارمزدی باشد. شما همچنان از موقعیت فرودست کارگر و از دولت مافوق مردم و تلاش برای کشیدن کار بیشتر از گرده کارگر و قید و شرط گذاشتن برای آزادیها و سرکوب و غیره روبروئید. سوسیالیسم و کمونیسم، ماحصل مبارزه طبقه کارگر علیه مناسبات استثمارگر و طبقاتی جامعه موجود، یعنی سرمایه‌داری است. مبارزه‌ای که تنها با از میان بردن مالکیت بورژوازی و برقراری مالکیت اشتراکی (اجتماعی) بر وسائل تولید به هدف انقلابی خود دست پیدا میکنند. اگر اینرا از مارکسیسم بگیریم، چیز تازه و ویژه‌ای از آن باقی نمی‌ماند. مارکسیسم آن جریانی است که میتواند در پاسخ به این آرمانهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه بشر، راه واقعی آن، یعنی واژگونی سرمایه داری بعنوان یک نظام اقتصادی و برقراری سوسیالیسم را طرح کند و نیروی طبقاتی و اجتماعی واقعی این تحول را در همین جامعه موجود نشان بدهد. مارکسیسم به روشنی ثابت میکند که در غیاب یک چنین

تحولی در زیربنای اقتصادی جامعه، این آرمانها فاقد پایه مادی برای تحقق جدی خود خواهند بود و روشن است که بر روی کاغذ خواهند ماند. تجربه انقلاب روسیه نیز همین را به ما می‌گوید. آنجا کارمزدی از بین نرفت. بجای مالکیت اشتراکی و (اجتماعی) سرمایه داری شکل گرفت. عاقبتش نیز آن شد که دیدیم. آنجا نیز این خودخواهی استالین و حاکمان روسیه نبود که آرمانها بروی کاغذ ماند. بلکه آنها منافع طبقه معینی را نمایندگی کردند. منافع سرمایه داری صنعتی و ناسیونالیسم ملی و سرمایه داری ماند در شکل دولتی اش. منصور حکمت تجربه انقلاب روسیه را توضیح داد و راه پیروزی را به ما نشان داد و این شاهکار اوست.

سیمما بهاری: در سیستم اداره جامعه که شما ارائه میدید حزب و ایدئولوژی چه جایگاهی دارد؟ آیا دولت حزبی است؟ آیا ایدئولوژی رسمی جامعه کمونیسم خواهد بود؟

شهلا دانشفر: پاسخ هر دو سوال شما منفی است. ما نه حکومت حزبی میخواهیم و نه حکومتی ایدئولوژیک. حزب از نظر ما خود یک مولفه سیاسی در خلع ید قدرت سیاسی از بورژوازی حاکم است. به این معنی که به احتمال زیاد حزب در راس توده انقلابی قدرت را می‌گیرد. اما به محض پیروزی انقلاب شوراها را فرامیخواند که همه جا قدرت را بدست گیرند. به عبارت روشنتر حزبی که انقلابی را رهبری میکنند، حزبی که قدرت را می‌گیرد، حزبیست که کل جامعه را با خود دارد و با قدرت انقلاب مردم توانسته است از بورژوازی حاکم خلع ید کند. حزب با همین قدرت شوراها را فرامیخواند تا کل جامعه را بدست گیرد. با همین قدرت است که استثمار را ممنوع اعلام

از صفحه ۱۰

انقلاب اکتبر، بلوک شرق و کمونیسم

میکند. قوانین برآمده از انقلاب از جمله لغو مجازات اعدام، آزادی بدون قید و شرط سیاسی، برابری کامل زن و مرد را فوراً اعلام میکند. بنابراین ساختار حکومتی جامعه ای که ما میگوییم ساختار شورایی است. این شوراها هستند که هم قانونگذارند، هم قضاوت میکنند و هم مجری قوانین مصوب خود هستند. ارتش حرفه ای هم نداریم و امنیت جامعه دست خود مردم است.

اما اجازه بدهید به بخش دوم سولتان بپردازم. همانطور که تاکید کردم در جامعه ای که ما میخواهیم ایدئولوژی رسمی جامعه کمونیسم و یا هیچ ایدئولوژی دیگری نخواهد بود. در جامعه ای که ما میخواهیم آزادی بدون قید و شرط است. همه احزاب آزادند. ساختار جامعه نیز شوراها مردم است. همه احزاب در شوراها فعالیت دارند. راهکارهایشان را بیان میکنند. رای مردم است که تعیین میکند که جامعه به کدام سو میرود. اینکه کدام حزب حرفها و راهکارهایش با خواستها و منافع مردم چفت میشود، جهت و سمت و سوی حرکت جامعه را تعیین میکند و این خود را در رای مردم نشان خواهد داد. در تصمیم گیری مردم در شوراهایشان نشان خواهد داد. از نظر ما ایدئولوژی عقیده و نظر انسانهاست و آزاد است ولی قرار نیست یک ایدئولوژی بر عقاید دیگر حاکم باشد. اگر چنین باشد این یک دیکتاتوری است.

در جامعه ای که ما میگوییم، در جامعه ای که استثمار نیست، تبعیض نیست و نابرابری نیست، وسیعترین آزادی ها خواهد بود. خلاقیت ها رشد خواهد کرد و دیگر دلیلی برای قید و شرط بستن برای آزادیها و سازمان دادن دستگاههای بوروکراسی و سرکوب مردم

نیست. ضامن حفظ چنین جامعه ای نیز حکومت شوراها مردم در تمام سطوح جامعه است.

سیما بهاری: چرا تا کنون یک کشور کمونیستی به مفهومی که شما میگویید در دنیا وجود نیامده؟ خود این آیا نشان نمیدهد که این استراتژی یا جهت گیری به جایی نمیرسد؟

شهلا دانشفر: من میگویم در هیچ کجای دنیا چنین کشوری کمونیستی که من میگویم وجود ندارد. ولی آیا من حق دارم از جامعه ای صحبت کنم که در آن استثمار نباشد. که در آن نابرابری و تبعیض نباشد. که در آن وسیعترین آزادیها باشد. که در آن کار خلاقیت باشد و نه اجبار. که در آن شاخص زندگی انسانیت باشد نه سود.

دوما همانطور که جلوتر هم اشاره کردم، کمونیسم و آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه، آرمانهای همیشگی بشریت بوده است و یک جنبش اجتماعی قوی در جامعه است. و امروز شاهد گسترش دامنه این جنبش در سطح جهانی هستیم و این امید بخش است. شاید یک دهه قبل کسانی میتوانستند با چنین سطحی از ابهام در مورد تحقق آرمانها و جهتگیری هایی که ما کمونیستها بر آن تاکید میکنیم، برخورد کنند. اما امروز ورق برگشته است. امروز گوشها برای نقد سوسیالیستی سرمایه داری و راه حل های سوسیالیستی بیش از هر زمان باز شده است. بویژه پیشرفتهای بشری، ثروت های جامعه بشری، رشد تکنولوژی همه و همه بیش از هر وقت ممکن بودن ساختن جامعه ای که ما از آن سخن میگوئیم را نشان میدهد. و اتفاقاً امروز این سرمایه داری است که به روشنی بن بستش را می بینید. و می بینید که در مقابل این بن بست جنبشی جهانی علیه نظام

موجود شکل گرفته است که خود را جنبش اشغال، جنبش ۹۹ درصدی ها میخواند.

بنابراین من سوال را بطرف خود کسانی که این سوال را مقابل ما قرار میدهند برمیگردانم و میپرسم چگونه است که ادامه اینهمه توحش و بربریت و ستم سرمایه داری میتواند قابل تصور باشد. ولی وقتی از جامعه آزاد و برابر و انسانی، از سوسیالیسم صحبت میشود، چنین علامت سوالی در مقابل ما ما قرار میگیرد؟ امروز بیش از هر وقت میتوان فهمید که چرا سوسیالیسم تنها پاسخ به جهان امروز است. واقعیت اینست که جهان سرمایه به عمیق ترین بحران حیات خود رسیده است. سرمایه داری بی افق است. راهی برای برون رفت ندارد. ادامه این بی خطی و بی راه حلی برای بشریت فاجعه بار است. و امروز بیش از هر وقت میشود دید که تنها پاسخ نجات بشریت سوسیالیسم است. در پرتو همین نیاز است که می بینیم جنبشی به جلو آمده است که نظم موجود جهان سرمایه داری را با دموکراسی و پارلمانتاریسمش زیر سوال برده است.

همین جا بد نیست دوباره به الگوی انقلاب اکتبر اشاره کنم. اکنون از انقلاب اکتبر نزدیک به صد سال میگذرد. سرمایه داری به آخر خطش رسیده و جهان اوج بربریت و توحش آنرا دیده است. در نتیجه امروز بیش از هر وقت میشود بر حقانیت انقلاب اکتبر و آرمانهایش تاکید گذاشت.

سیما بهاری: بعضی ها میگویند جامعه کمونیستی جامعه کسالت آوری است. همه چیز کنترل شده است، پول نیست، چیزهای لوکس نیست، کسی صاحب چیزی نیست و غیره. تصویر شما از جامعه کمونیستی چیست؟

شهلا دانشفر: اینهم ادامه همان تبلیغات بورژوازی است که جلوتر در موردشان صحبت کردم. همه این سوالها اول

میکوشد سیستمی مثل سیستمی که در روسیه در بعد از شکست انقلاب اکتبر شکل گرفت، یعنی سیستم سرمایه داری دولتی و کنترل دولتی آن و خفقان و آنچه استالین و غیره کردند را به اسم کمونیسم به ما بقبولانند و بعد بگویند، کسالت آور است. ده تا علامت سوال مقابل من کمونیسم میگذارند تا بگویند که کمونیسم آرمان است و عملی نیست و غیره. ما برای همه اینها جواب داریم. ما مدعی هستیم.

شما به من بگویید اگر استثمار از بین برود. اگر تولید در خدمت رفاه جامعه باشد و نه در خدمت سود. اگر جامعه توسط خود مردم یعنی خود ۹۹ درصدی ها اداره شود و حاکمیت شورایی باشد و اگر در آن وسیعترین آزادی ها باشد هنوز این سوال را در مقابل ما کمونیستها قرار خواهند داد.

به من بگویید در جامعه ای که انسانها تامین هستند، نیازی نیست که انسان برای امرار معاش نیروی کارش را بفروشد و استثمار ممنوع است، در آنجا دیگر کار اجبار و در خدمت سود نیست، بلکه کار خلاق و در خدمت رفاه مردم قرار دارد، در جامعه ای که دیگر انسانها از کارشان بیگانه نیستند و تازه خلاقیتها شکوفا میشود تا بهترین مسکن ها و بهترین رفاه ایجاد شود و شاخص آن جامعه رفاه، انسانیت و برابری است. باز خواهند گفت آن جامعه کسالت بار خواهد بود؟

به نظر من سوسیالیسم یعنی یک جامعه شاد. یعنی یک جامعه ای پر از خلاقیت. یعنی یک جامعه پر از شادی. یعنی یک جامعه بدور از هر گونه تبعیض. بدور از هر گونه ریاکاری، خرافه. یعنی جامعه ای انسانی. چنین جامعه آرزوی کل بشریت است.

بگذارید در مورد مالکیت هم توضیحی بدهم. وقتی مسکن رایگان است. وقتی درمان و بهداشت رایگان است. وقتی ترانسپورت رایگان است. وقتی همه مردم میتوانند از

نعماتی که خودشان تولید میکنند برابر استفاده کنند. وقتی که جامعه اقا بالا سر ندارد و اراده مستقیم خود مردم حاکم است. وقتی مردم پیش فروش نیستند. در آن اختیار انسان به انسان بازگردانده میشود. در آن انسان حرمت پیدا میکند. روشن است که در چنین سیستمی خود بخود نیاز به پول و مبادله از بین میرود. مردم دغدغه شان نه تامین نیازهای اولیه شان بلکه فکر کردن به دنیای بهتر و به زیبایی و هنر و شادابی بیشتر زندگی خواهد بود. طبیعت بیشتر و بیشتر در خدمت رفاه مردم قرار میگیرد. این تعالی و رشد جامعه است. ما از اشتراکی کردن مالکیت یا اجتماعی شدن مالکیت صحبت میکنیم. یعنی اینکه یک عده صاحب وسایل تولید نباشند و یکعده فروشنده نیروی کار و تمام عمرشان برده. شما تصور کنید. وقتی ترانسپورت رایگان باشد. تکنولوژی در خدمت رفاه جامعه باشد. آخرین سیستم ایاب و ذهاب. درمان. مسکن و رفاهیات در اختیار مردم باشد. یک فرد جز مواقعی که نیاز به استراحت و تنهایی داشته باشد، ترجیح میدهد همراه مردم و بدون اینکه درد سر ترافیک و غیره داشته باشید از هر جا به هر جا که میخواهد برود. خود بخود این سطح از رفاه و تامین اجتماعی ولع به مالک بودن را از بین میبرد. ضمن اینکه شما حق دارید و امکانش را دارید که ماشین خود را داشته باشید. شما منزل، مسکن و همه نیازهای انسانی خود را دارید.

به قول منصور حکمت اساس سوسیالیسم انسان است. اساس سوسیالیسم بازگرداندن اختیار انسان به انسان است. اساس سوسیالیسم بازگرداندن حرمت انسان به انسان است. نگاه کردن از دریچه جامعه وحشی سرمایه داری امروز به جامعه سوسیالیسم است که این سوالات را در مقابل من قرار میدهد. بنابراین پاسخ من به این سوال نیز منفی است.*

برای نجات جان

زانبار و لقمان مرادی و حبیب گلپری پور به پا خیزیم!



معترض مرویان و کردستان و ایران مواجه خواهد شد. کمیته بین المللی علیه اعدام یکبار دیگر به حکومت اسلامی ایران، وزارت اطلاعات این حکومت و سران جنایت پیشه رژیم اسلامی در کردستان و در ایران و به روحانی و خامنه ای و همه اراد و ابواب این حکومت هشدار میدهد که اگر دست به زانبار و لقمان مرادی بزند با مردم معترض و منجر از حکومت مواجه خواهد شد که مصمم هستند نگذارند بیش از اینها فرزندان آنها را بکشند. ما در سطح بین المللی در اروپا و کانادا و آمریکا و همچنین از فعالین علیه اعدام و مردم در کردستان عراق در ترکیه و افغانستان از همه نهادها و سازمانهایی که در کمپین قبلی همراه ما بودند دعوت میکنیم که این بار متحدانه تر و قویتر به میدان آمده و مانع اجرای حکم اعدام حبیب و زانبار و لقمان شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
جمعه ۲۵ اکتبر ۲۰۱۳

حاکمی از اینست که مسئولین حکومت اسلامی در مرویان و کردستان، در صدد هستند که حکم اعدام زانبار و لقمان هر چه سریعتر اجرا شود. این خبر روز پنجشنبه از سوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران اعلام شده بود که ما این خبر را تایید میکنیم.

زانبار و لقمان مرادی اکنون چهره های بسیار آشنایی برای بسیاری از فعالین و نهادهای علیه اعدام در دنیا هستند. کمیته بین المللی علیه اعدام به همراه نهادهای متعدد دیگری دو بار برای نجات جان این دو جوان از اعدام کمپین جهانی سازمان داده و در آخرین مورد، مردم مرویان را نیز به یک اعتصاب عمومی دعوت کردیم که در اعتراض به این حکم مغازه ها در مرویان ساعتی از روز بسته ماند و در شهرهای اروپا، کانادا و آمریکا و در کردستان عراق و یا ترکیه و در افغانستان به این حکم اعتراض شد. موجی از اعتراضات بین المللی باعث شد کاترین اشتون و مقامات اتحادیه اروپا در این مورد ابراز نظر کرده و از رژیم اسلامی بخواهند جلوی اجرای حکم را بگیرد. در مرویان و در کردستان مردم به حکومت اسلامی اعلام کردند که اگر دست به این دو جوان بزند، با مردم

با هر اعتراض دسته جمعی، توانستیم جان تعدادی را نجات دهیم.

این بار حکومت اسلامی قصد اعدام سه فعال سیاسی از کردستان را دارد!

طبق خبری که به دست ما رسیده است ساعت ۷ صبح امروز جمعه سوم آبان ماه، حبیب الله گلپری پور، زندانی سیاسی محبوس در زندان مرکزی ارومیه به محلی نامعلوم منتقل شده است. حبیب گلپری پور فعال سیاسی از کردستان است که به اتهام محاربه به اعدام محکوم شده است. پدرش در اعتراض به حکم اعدام وی گفته بود، او کتاب در دست داشت که دستگیر شد و نه اسلحه. جمهوری اسلامی ایران تا کنون چند بار سعی کرده که حبیب را اعدام کند، بارها به این حکم وحشیانه اعتراض شده و مردم با تجمع در مقابل در زندان و فعالین علیه اعدام در دنیا با سازمان دادن اعتراضات و تظاهراتی بین المللی جلوی اجرای این حکم وحشیانه را گرفته اند.

زانبار و لقمان مرادی در خطر اجرای حکم اعدام هستند. طبق تماسی که امروز جمعه ۳ آبان ماه با مطلعین در مرویان و همچنین با خانواده های این دو محکوم به اعدام داشتیم، اخبار

اعتراضات در ایران و در خارج از کشور به قانونی کردن ازدواج والدین با فرزند خوانده دارد!

این پس مطابق قانون در جمهوری اسلامی والدین حق دارند با فرزندخوانده ی خود ازدواج کنند! تصویب این لایحه در مجلس موجب اعتراضات زیادی به ویژه از طرف تشکل های مربوط به زنان و حقوق کودکان شده بود. به گفته ی معترضین این قانون یادآور دوران برده داری و رفتاری است که برده داران با کنیزهای خود انجام می دهند!

اعتراضات به این قانون چنان زیاد است که حتی دولت روحانی و برخی از نمایندگان مجلس حکومت اسلامی نیز به آن اعتراض کرده اند.

فتنه (جنبش برای آزادی زن) و نهاد کودکان مقدمند از همگان دعوت میکنند، به اعتراضات در این زمینه ادامه داده و یا امضا تومار اعتراضی و یا برگزاری جلسه و میتینگ و مجموعه برنامه های متنوع، به این قانون ضد حقوق کودکان اعتراض کنند.

فتنه "جنبش برای آزادی زن" ۱۹ اکتبر ۲۰۱۳
BM Box 1919, London WC1N 3XX, UK
Email: fitnah.movement@gmail.com
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk

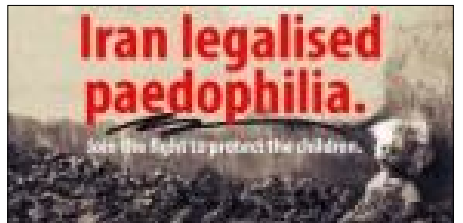
تا کنون بیش از ۸۰۰۰ نفر این طومار را امضا کرده اند. در ایران نیز به این حکم ضد حقوق کودک و رسمیت دادن به تجاوز به کودکان، اعتراضات بسیاری شده است. از جمله نهاد صدای زنان مرویان از بین مردم مرویان طوماری اعتراضی جمع کرده و تا کنون صدها نفر از مردم مرویان این طومار را امضا کرده اند و در سایت صدای زنان مرویان اسامی این افراد اعلام شده است. در اینجا متن نامه اعتراضی و اسامی چند نفر را می بینید.

اسامی صدها نفر از مردم معترض به این لایحه در سایت این نهاد در دسترس است.

سازمانهای دیگری نیز فراخوان اعتراض داده و طومارهای دیگری نیز در دسترس عموم قرار گرفته است که با نگاهی به همه این اعتراضات میتواند دید که اعتراض به این قانون کذایی تا چه حد زیاد است.

شورای نگهبان حکومت اسلامی ایران قانون را رسمیت داد، ولی دامنه اعتراضات گسترده تر شده و حتی باعث اعتراض مقامات حکومتی نیز شده است. ایسنا در این مورد چنین نوشت:

"به گزارش اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان، لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست که با اصلاحاتی در جلسه مورخ سی و یکم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است؛ در جلسه مورخ ۱۰/۰۷/۱۳۹۲ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. به این ترتیب با تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان از



بیش از ۸۰۰۰ نفر طومار اعتراضی نهاد کودکان مقدمند و سازمان فتنه "جنبش برای آزادی زن" را تا کنون امضا کرده اند.

This petition is awaiting approval by the Avaaz Community
ما با اعلام يك کمپین علیه قانون رسمیت دادن به تجاوز به کودکان در خانواده ها، طوماری را در دسترس عموم گذاشتیم که در بخششی از فراخوان آمده بود:

... این چیزی نیست جز تشویق پدوفیلی رسمی. بر اساس این لایحه هیچ کودکی که به فرزند پذیرفته شود، نمیتواند در خانه احساس امنیت کند. این لایحه، مانند بسیاری از قوانین دیگر در جمهوری اسلامی، ناقض کرامت و حقوق کودکان است و باید مستوقف شود.

نهاد کودکان مقدمند و سازمان فتنه "جنبش برای آزادی زن"، مجلس شورای اسلامی و این قانون ضد انسانی را بشدت محکوم کرده و از همه سازمانهای مدافع حقوق کودک و همه مردم در سراسر جهان میخواهد به جمهوری اسلامی و مجلس اسلامی اش که به تجاوز به کودکان رسمیت میدهد و مبلغ پدوفیلی رسمی است بشدت اعتراض کنند.

طومار اعتراضی ما در سایتهای متعددی منعکس شد و از ایران و سراسر جهان تعداد زیادی این طومار را امضا کردند.



صحنه هایی از بزرگداشت روز جهانی کودک در سنندج

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

- از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
- کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
- مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
- از ایران: عبید گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



ما آن گرایشی در جنبش کارگری هستیم که طبقه کارگر را صاحب صلاحیت و موظف به دخالت اجتماعی در مقیاس وسیع، در قلمرو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی میدانند و میخواهد کارگر در قامت ارائه کننده آترناتیوی برای کل جامعه بشری ظاهر شود. افق، نقد اجتماعی، تئوری، اتحاد برای انقلاب اجتماعی از نظر ما مهم است، همانطور که افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، آزادی اعتصاب و متحد شدن برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی اقشار کارکن جامعه در هر مقطع برای ما مهم است. هر یک از این وجوه مبین بعدی از حیات و مبارزه و ابراز وجود طبقه کارگر است و از نظر ما قابل تفکیک و قابل چشم پوشی نیست. تمام آن گرایشات اجتماعی، اعم از کارگری و غیر کارگری که این کلیت را میشکنند، که انقلاب اجتماعی را از کارگر و کارگر را از انقلاب اجتماعی دور نگاه می دارند، باید زیر انتقاد ما باشند.

منصور حکمت - مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری - تیر ماه ۱۳۷۱، کارگر امروز

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

توجه: این برنامه همزمان در اتاق پالتاک پخش خواهد شد

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

موضوع

انقلاب اکتبر و انقلابات قرن حاضر

ویژگیها، شباهتها و تفاوتها، درسها و نتایج

* ویژگیهای انقلاب اکتبر در تمایز از دیگر انقلابات

* جایگاه و اهمیت تاریخی انقلاب اکتبر

* تمایز میان انقلابات قرن گذشته و انقلابات قرن حاضر

* نقش نیروی رهبری کننده در انقلاب اکتبر

* جنبشهای اجتماعی در عصر انقلاب اکتبر و

در دوره حاضر

* ویژگیهای جنبش کمونیستی قبل از انقلاب اکتبر،

در دوره جنگ سرد و شرایط امروز

* درسهای قابل تعمیم انقلاب اکتبر به شرایط امروز

سخنران: حمید تقوائی

زمان: یکشنبه، ۳ نوامبر ۲۰۱۳

ساعت ۱۲ تا ۶ بعد از ظهر

مکان: تورنتو

Toronto: North York Civic Centre
5100 Yonge St., North York
Room: 2

زمان و آدرس اتاق پالتاک

ساعت ۵ بعد از ظهر بوقت لندن، ۶ بوقت اروپا و ۷ و نیم شب بوقت ایران

Categori = Middle East

Subcategori = Iran

Roon Name = Anjonmane MARx Canada

ورودی: ۵ دلار

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

۱۶ اکتبر ۲۰۱۳